

## مشاهیر افغانستان

نگارش ، م . کریم خان ، نژیی

ابو عثمان عمر و بن عبید بن باب ( ۱ ) از معاریف متکلمین وزهاد و از شيوخ طائفة معتزله است : جدوی ( باب ) از اسرای کابل ( ۲ ) و از موالی بنی عقیل ( ۳ ) آل عراوه بن یربوع ابن مالک بود .

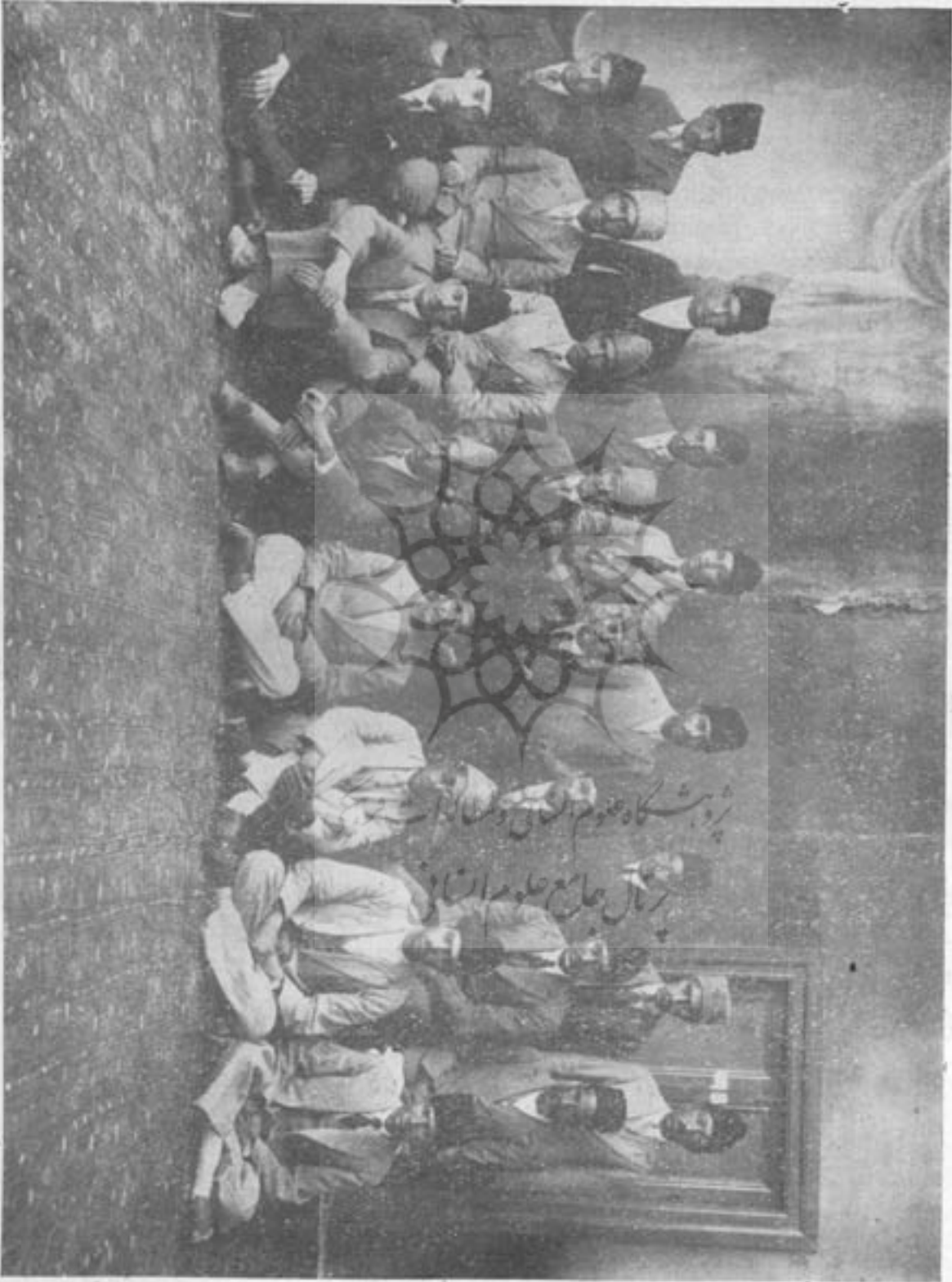
تولد این بزرگوار بروایت علامه قاضی احمد الشهبز باین خلکان ( ۴ ) بسال ( ۸۰ ) هشتاد از هجرت اتفاق افتاده ، در تورع وزهد از تنجیه و سر بر آوردگان عصر خود بود . در استغنا و مناعت نفس نیز شهرتی بسزا داشته ، و مورخین حکایات غریبه به نسبت او روایت کرده اند :

از آنجمله نویسد ؛ روزی ابو عبید مذکور بخدمت ابو جعفر منصور خلیفه عباسی ( ۵ ) بنابر مودت و مواخاتیکه در سابق با او داشت ( ۶ ) بحضورتش رسید . خلیفه پس از استقبال دلچسپی ، با او مصاحبت نمود و در خواست و عطف کرده . از نصائح و اندرز هائی حکیمانه او بهره برد . و در حائمه ملاقات بواسطه اینکه از فقر و پریشانی بنی نهایت دوست دبرین خود اطلاعی کامل داشت ، بوقت بازگشت مبلغ ( ۱۰ ) هزار درهم بوی انعام و صله بخشید اما ابن عبید مزبور از قبول آن استنکاف ورزیده ، سوگند خورد که مبلغ موصوف را نمی گیرم و همانطور از محفل خلیفه دست نمی بیرون رفت .

[ ۱ ] امامعمانی در انساب او را ابو عثمان عمرو بن عبد البصری یاد کرده است . انساب سمرانی طبع اوقاف کتب ص ۵۳۶ م ۲ - ۴ . [ ۲ ] وفیات الاعیان ج اول ص ۳۸۴ .

[ ۳ ] بنی عقیل راجع باین خانواده در کتب موجوده اطلاعی بدست نیامد .

[ ۴ ] وفیات الاعیان ج اول ص ۳۸۵ . [ ۵ ] ابو جعفر منصور دومین خلیفه عباسی است ، زمان خلافتش از سال ۱۳۶ الی ۱۵۸ هـ ق بود ، بغداد را او در سنه ۱۵۴ هـ ق ، بنا نهاده ، اولا مدینه السلام نام گذاشت . دائرة المعارف فرید وجدی جلد ۶ ص ۹۸ و ص ۱۰۴ . [ ۶ ] وفیات الاعیان ج اول ص ۳۸۴ .



ع، مدیران و هیئت اداری دارالتحریر شاهلی اعلیٰحضرت کابوئی



- و گویند ؛ از روزیکه ابو حذیفه و اصل بن عطای معتزلی ( ۱ ) از خدمت استاد خود شیخ حسن بصری ( ۲ ) بواسطه ایجاب منزل بین منزلتین ( ۳ ) اعتزال نموده مطرود شد . از آنرو بعد همواره بمجالست ابن عبید مزبور بصری برد . و هر دو باتفاق همدیگر بنا-بنا-بنا مذهب اعتزال و تشکیل طائفه معتزله می برداختند .
- وفاتش در زمان خلافت ابوجعفر منصور بسال ( ۱۴۴ ) هجری قمری و روایتی ( ۱۴۲ ) و ( ۱۴۳ ) هجری قمری ( برخی ( ۱۴۸ ) نیز گفته اند ) ( ۴ ) در رجوع بمکه معظمه در موضوع مران ( ۵ ) باتفاق پیوسته است .
- اماد در دائرةالمعارف اسلامی انکلیسی بسال ( ۱۴۵ ) هجری مطابق ( ۷۶۲ - م ) قید یافته ( ۶ ) گویندوی یگانه کسی است که خلیفه زمان او را رثاء گفته ( ۷ ) و رثاء مذکور اینست .

۱ - هو ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی المعروف بالغرالی [ مولی بی شبه و قیل بی عزوم ، یکی از ائمه بلغای متکلمین ، مؤسس مذهب اعتزال ، رئیس طائفه از معتزله ] [ موسوم بواسطه ] و نامید شیخ حسن بصری رح است . ولادتش بسال ۸۰ هجری قمری در مدینه منوره بوده . بسال ۱۸۱ هجری قمری وفات نمود . تالیفات مهمی در علم کلام داشته ، از رفقا و دوستان مروان ابن عبید است . [ رجوع شود بقاموس الاعلام ج ۶ ص ۶۶۲ ، و فیات الاعیان ج ۲ ص ۱۷۰ الملل والنحل شهر ستای طبع مصر ج اول ص ۵۷ .

۲ - هو ابو سعید الحسن بن ابی الحسن ( جعفر ) یسار البصری ؛ از کبار سادات تابعین و مشاهیر اقبالی و متورعین اسلام است و بنا بر روایتی در حیات خود بشرف محبت خلیفه سیوم حضرت عثمان بن عفان رض و بعضی از اصحاب کرام مانند حضرت عبدالله بن عباس رض و سایر رسیده ، احادیث شریفه زیادی از آنها روایت نموده است . تولد این بزرگوار بسال ( ۲۰ ) از هجرت در [ رق ] باتفاق پیوسته و بمسئله رجب سال [ ۱۱۰ ] هجری و روایتی [ ۸۱۱۶ ] ه در بصره ازین جهان ار تحال نموده اند واصل این عطا [ و به نزد سمعی ] مروان ابن عبید ( رجوع شود بکتاب الانساب سمعی مروزی طبع اوقاف کتیب ص ۵۲۶ ص ۲ تا ۴ ] از تلامذت این ذات است . که از مجلس شان اعتزال نموده ، بلقب معتزله معروف گشتند . و فیات الاعیان ج اول ص ۱۲۸ قاموس الاعلام ج ۲ ص ۱۹۴۵ دائرةالمعارف فرید وجدی ج ۲ ص ۴۴۴ .

۳ - هنگامیکه راجع بمقالات اسلامی اختلافاتی اظهار پیوست . و خوارج برخلاف کلام قدما ( اهل سنت و جماعت ) مرتکبین کبیره را کافر دانسته ، حکم بشکفیر آنها نمودند . واصل بن عطاء برخلاف هر دو طبقه مرتکب کبیره را نه مؤمن و نه کافر ، حکم کرده ، اثبات منزلتی بین منزلتین نمود . و ازین سبب از مجلس حسن بصری اعتزال ( اجتناب و کناره گیری ) اختیار کرده ، برخلاف شیخ حسن بصری بتالیفات پرداخت . و بواسطه شیکه شیخ مزبور نسبت بکناره گیری واصل ( قدا منزل واصل عطا ) فرمود . لذا واصل و پیروان او بمعترزه معروف گشتند . کتاب الانساب سمعی ص ۵۳۶ ، شرح عقائد نسفی از علامه تفتازانی طبع تاشکند ص ۱۹۹ . قاموس الاعلام ج ۲ ص ۱۹۴۵ ، و فیات الاعیان ج ۲ ص ۱۷۰ ، الملل والنحل شهرستانی ج ۱ ص ۶۰ بحثیه الفصل فی الملل و الاوهام و النحل ابن حزم اندلسی .

۴ - و فیات الاعیان ج اول ص ۳۸۵ .

۵ - مران بفتح میم و تشدید را بعد از ان الف و نون موضوعی است بین بصره و مکه مکرمه در دو منزلتی از مکه که بروایت یاقوت فاصله بین آن و مکه مکرمه ۱۸ میل است . و فیات الاعیان ج اول ص ۳۸۵ ، معجم البلدان یاقوت حموی ج ۸ ص ۷ .

۶ - دائرةالمعارف اسلامی انسکلو پیدیه آف اسلام ج اول ص ۳۳۶ ستون ۲ !

۷ - و فیات الاعیان ج اول ص ۳۸۵ .

صلى الله عليه وسلم من متوسد قبرا مرتت به على مردان

قبرا تضمن مومناً متحنفاً صدق الله ودان بالعربان

لوان هذا الدهر ابق صالحاً ابق لنا عمرواً ابا عثمان

و این فخری است بس عظیم که شخصی بمثل ابو جعفر منصور خلیفه عصر او را مرثیه

گفته باشد

رسایل و خطب متعددی داشته ، اقوال و نکات زیادی در عدل و توحید ( اساس مذهب

اعتزال ) از وی یادگار مانده است .

پوشیده نماید که شالوده و اساس مذهب اعتزال ، ( به نزد اهلس ) روی عدل و توحید

گذاشته شده است . معتزله بواسطه اینکه ثواب مطیع و عتاب عاصی را بذات حق جل و علی شانه

واجب دانسته ، صفات قدیمه او باری تعالی را نفی می نمایند . از آنرو خود را اصحاب عدل و

توحید نیز نامیده اند . و نظر با اعتقاد آنها عدل و توحید مفهوم حقیقی نمی یابد مگر بصورت

ذیل که مابقی نبذی از آن می برداریم . نظر با اعتقاد عمومی طوائف معتزله ، الله تعالی قدیم است

و قدم ( قدمت ) را خاصترین وصف ذات او دانسته ، سایر صفات قدیمه را از او نفی می نمایند

و میگویند الله تعالی عالم است بذات خود ، قادرست وحی است بذات خود ، نه بعلم ، قدرت و

حیات زیرا که ، علم ، قدرت و حیات هر يك از صفات قدیمه می است که معانی بوی قائم است

و اگر صفات ( مذکور ) مشارکند ، او باری تعالی را در قدمانی که آن اخس وصف ذات

اوست . هر آینه مشارکت می نماید او باری تعالی در آلهیه یعنی در اثر تعدد قدیمین یا قدما که

خاصه الوهیت است نتیجه به تعدد آلهین یا آلهه منجر میشود و حالانکه این محال و ممنوع است

و دیگر ( نعوذ بك ) کلام او باری تعالی ( که قرآن شریف است ) را محبت و مخلوق در محل

میگویند ، چه بغیر از حرف و صوتیکه نگاشته شده امثال آن در مصاحفیکه محتوی حکایات از او

باری تعالی است . چیزی دیگر نیست و چیزیکه در محل موجود شد عرض است . وفانی میشود

فی الحال . و دیگر اراده ، سمع و بصر را معانی قائم بذات واجب الوجود ندانسته ، در وجوه وجود

صفات مذکور و محمولات معانی آنها اختلاف دارند .

و دیگر رویت الله تعالی را بواسطه ابصار در آخرت نفی نموده ، تشبیه از باری تعالی را از

هر وجه جهه ، مکاناً ، صوراً ، جسماً ، محیزاً ، انتقالاً ، زوالاً ، تغیراً و تأثراً نفی میکنند .

و تاویل آیات متشابهه را در هر يك ازین موارد ایجاب نموده ، و عقیده مذکور را توحید

حقیقی و مطلق ادعای نمایند . و دیگر بنده را قادر و خالق اعمال خود ( خواه خیر باشد خواه شر ) دانسته



و در دار آخرت مستحق کرده اش ( خواه ثواب باشد خواه عقاب ) میدانند . حق جل و علا را منزّه و مبری از اضافه شر و ظلم به نسبت اودا نسته ، فعل مزبور را کفر و معصیت ادعای نمایند ؛ زیرا که میگویند الله تعالی همچنانیکه عادل است بسبب خلق عدل ، هر آینه ظالم خواهد بود بواسطه خلق ظلم ؛ و بعلاوه الله تعالی حکیم است . و هیچ فعل حکیم خالی از صلاح و خیر نخواهد بود . چرا که رعایه مصالح عباد از حیث حکمة واجب است . و عدل حقیقی بهمین صورت انجام می یابد و بس ( ۱ )

کتاب التفسیر عن الحسن البصری و کتاب الرد علی القدریه ( ۲ ) از تالیفات اوست که مادر سلسله ( آثار محررین افغانستان ) بقدر استعداد و طاقت خود در موردش از آن یاد آوری خواهیم کرد .  
مقاتل بن سلیمان بن بشیر ( الازدی بالولاء\* ) الخراسانی المروزی  
ابوالحسن :

از اکابر علمای قرن دوم هجری است . اصل وی ( باتفاق مورخین ( ۳ ) از بلخ . و از سال ولادتش متأسفانه اطلاع بدست نیست . و گویند ( ۴ ) از بلخ بصره انتقال نموده بعدها وارد بغداد و در آنجا باشتغال حدیث می پرداخت ، در تفسیر قرآن کریم شهرتی داشته ، حدیث را از مجاهد بن حیر عطا بن ابی ریا ، ابو اسحق سبیبی ، ضحاک بن مزاحم و محسن بن مسلم الزهری و غیره اخذ و فرا گرفته است . بقیه بن ابی الولید الحمصی ( ۵ ) عبدالرزاق بن همام الصنعانی حریمی بن عماره و علی بن الجعد و غیره از او روایت حدیث کرده اند .

هر چندیکه در براءت و فضل ، علو شان و مکانت علمی او محیی نیست . باز هم راجع بروایت حدیث و تفسیر این ذات علما و ائمه اختلافاتی داشته ، و روایات مختلف و متضادی از آنها در کتب سیر و تواریخ مسطور است . از آن آنجمله از امام شافعی رح روایت نموده مینویسند ( ۵ ) که وی میگفت « مردمان از سه کس میانند . یکی از مقاتل بن سلیمان در تفسیر ، از زهر بن ابی سلمی در شعر و از علی ابی حنیفه در کلام . اما گروه دیگری راجع بروایت حدیث ، نسبت کذب بوی نموده ، روایت های او را خالی از اعتبار ، بلکه سراسر دروغ می نگارند ( ۶ ) و ما محضی جهت احترام از نقل آنها روایات

۱ - شرح عقاید نسفی طبع تاشکند ص ۲۰ ، المثل والنحل شهرستانی جلد اول ص ۵۵ و ص ۵۶

۲ - یکی از فرق اسلامی است که بعضی آن را بواسطه اتحاد در قسمتی از اعتقادات با معتزله از طائفة معتزله گمان کرده اند . اما نظر پنگارش بخور اسرائیل رجوع شود بتاريخ فلسفه ترکی بخور اسرائیل در قسمت قدریه تاسیس و تشکل این مذهب قبل از معتزله بوجود آمده ، و نخستین مذهبی است که بعد از اهل سنت و جماعت در اسلام تکون یافته است و بزرگترین مخالف طائفة جبریه است .

و اساسی اعتقادات قدریه متنهی برمسائل ذیل است : قدریه بعلاوه این که نفسی صفات می نمایند .

گمان میکنند که هر بنده خالق فعل خود بوده ، معاصی و کفر وابسته بتقدیر الهی نیست . و میگویند مردمانیکه اعمال خود را مقدر میدانند ، نه تنها در اعمال آنها بلکه در اعمال سایر حیوانات نیز صنع و تقدیری از جانب الله تعالی وجود ندارد . و بنا بران خود را اهل سنت قدریه مینامند تعریفات سیدی تالیف میرسید شریف جرجانی قدس سره طبع در سعادت ص ۱۱۶ و دایرة المعارف فرید و جدی ج ۲ ص ۶۵۰ .

۳ - و فیات الاعیان ج ۲ ص ۱۱۲ ، دایرة المعارف فرید و جدی ج ۲ ص ۶۳۵ . ۴ - و فیات الاعیان ج ۲ ص ۱۱۲ و دایرة المعارف ج ۲ ص ۶۳۶ . ۵ - و فیات الاعیان ج ۲ ص ۱۱۲ دایرة المعارف جلد ۲ ص ۶۳۶ . ۶ - رجوع شود بدایرة المعارف فرید و جدی و فیات الاعیان عمده مقاتل بن سلیمان

در اینجا خود داری میورزیم . الله اعلم .  
 و هكذا ؛ به نسبت تفسیر ابن استاد نیز از ابو حاتم محمد بن حبان بسنی (۱) منقول است .  
 « که ابوالحسن مقاتل بن سلیمان علم قرآن را از یهود و نصارا فرا گرفته ، قرآن عظیم را در  
 تفسیر خود با کتب ایشان توفیق داده است . »

خلاصه ؛ راجع به این شخص روایت حدیث و تفسیر او ، اختلافات علما و ائمه بکثرت پیوسته ،  
 بعضی روایانش را در حدیث سند و مورد اعتبار و برخی عاری از اعتبار و حقیقت دانسته اند .  
 وفاتش بانفاق مورخین سال ( ۱۵۰ ) هجری قمری است (۲)

ابو عیدالهروی :

هو احمد بن محمد بن ابی عیدالعبدی المؤدب الهروی الفاشانی . این روایت به نسبت نسب او  
 منقول است (۳) اما بقراریکه علامه ابن خلکان می نویسد ؛ نسب وی را در پشت کتاب غریبین  
 صاحب ترجمه ( احمد بن محمد بن عبدالرحمن ) مرقوم یافته است .  
 بهر طریق مشارالیه من بور از ( فاشان (۴) هرات و از اجله علما بشمار میرود . نویسنده ؛  
 ابو عید موصوف بذله و تناول در خلوت را دوست داشت ، و همیشه بمعاشرت اهل ادب در  
 مجالس لذت و طرب بسر می برد .

و متأسفانه علامه ابن خلکان نویسد ؛ که بر هیچ چیز از اخبار او وقوفی نیافتیم تا آن را  
 متذکر می شدم . سوای اینکه او به مصاحبت ابو منصور الازهری لغوی (۵) بسر می برده است .  
 وفاتش در رجب سال ( ۴۰۶ ) هجری قمری (۶) بوده ، تألیف معروفی بنام کتاب الغریبین  
 ( یعنی در غریب قرآن و حدیث ) از اوست . ( تا تمام )

[۱] رجوش شود بدائرة المعارف فرید و جدی و وفیات الاعیان بهاده مقال بن سلیمان و قاموس الاعلام شمس الدین  
 ص ۶ ج ۱ ، ۱۳۶۰ .

۲- تاریخ ابوالفدا ج ۲ ص ۶ . و ابن خلکان و دائرة المعارف فرید و جدی و مقال بن سلیمان .

۳- وفیات الاعیان ج اول ص ۲۸ و کشف الظنون مرحوم حاج خلیفه ج ۲ ص ۱۵۶ و ص ۱۵۹ .

۴- فاشان بفتح فاء بعد از الف شین معجمه و بعد از الف دوم نون قرینه از قرأ هرات است و بعضی آنرا از قبیل  
 سمانی در کتاب الانصاب ص فاشان بیأ موحد نیز قید نموده اند . وفیات الاعیان ج اول ص ۲۸ .

۵- محمد بن احمد المعروف بابو منصور اللغوی الازهری ، از ائمه لغت و مشاهیر فقهای شافعی مذهب است . نهایت يك  
 ذات متقی و پرهیز گسار بوده ، بتاريخ ۲۸۲ هجری قمری تولد یافته است . وفاتش بسال ۳۷۰ هـ صدر هفتاد  
 هجری قمری بهرات رو داده ، کتابی بنام « التهذیب » مرکب از ده مجلد در لغت تألیف اوست . قاموس الاعلام  
 ج اول ص ۲۶۳ .

۶- رجوع شود بوفیات الاعیان ج اول ص ۲۸ و کشف الظنون ج ۲ ص ۱۵۶ و ص ۱۵۹ .